



چرا طبای گذشته حکیم نیز بودند/ پیوند سلامت و معنویت در فرهنگ اسلامی-ایرانی

در فرهنگ اسلامی ایرانی سلامت و معنویت چنان در هم تنیده بوده اند که یکی از مهمترین بایسته های علم طبابت رسیدن به درجات عالی در حوزه علوم انسانی وقت از جمله علم فلسفه و کلام بوده است که طبیب را از دایره محدود درمان بیماری های تن به حکیم شدن سوق می داده است.

در فرهنگ اسلامی ایرانی سلامت و معنویت چنان در هم تنیده بوده اند که یکی از مهمترین بایسته های علم طبابت رسیدن به درجات عالی در حوزه علوم انسانی وقت از جمله علم فلسفه و کلام بوده است که طبیب را از دایره محدود درمان بیماری های تن به حکیم شدن سوق می داده است.

به طور کلی تعاریف مربوط به سلامت از الگوهایی پدید آمده اند که جزیی از معتقدات دانشمندان مختلف بوده اند. بر اساس این اعتقادات سه الگوی عمده در تعریف سلامتی همواره مد نظر بوده است: الف-الگوی پزشکی: این الگو عمدتاً بر تبیین زیست شناختی و فیزیولوژیکی سلامتی می پردازد. ب- الگوی محیطی: این الگو از تحلیل نوین اکو سیستم و خطرات محیطی به سلامتی انسان پدید آمده است. در این الگو سلامتی بر حسب کیفیت سازش فرد با محیط به هنگام تغییر شرایط تعریف شده است. ج- الگوی کل نگر: این الگو سلامتی را بر حسب کلیت شخص تعریف می کند و جنبه های زیست شناختی، فیزیولوژیکی، روانی، هیجانی، اجتماعی، معنوی، و محیطی افراد را شامل می شود و بر سلامتی بهینه پیشگیری از بیماری و حالت های روانی و هیجانی مثبت متمرکز است.

این الگو معتقد است که سلامتی ایستا نیست بلکه فرایند پویایی است که تمام تصمیم ها و فعالیت های روزمره را منعکس می کند. استقرار این الگو نوید ظهور قلمرو بین رشته ای جدید را به میان آورده که با پذیرش یک روی آورد کلی و به کار بستن این راهبرد در روش شناسی پژوهشی، در پی پاسخ گویی به معماهای حل نشده، دیدگاه های تک بعدی درباره سلامتی و بیماری است.

در ادبیات ما، توجه جامع به سلامت نمادهای مختلفی دارد. شاعران به پزشکی دست مریزاد می گویند که هم به درمان جسمی بیمار(دوای تن) و هم به عافیت بیمار(راحت جان) که تعبیر بسیار زیبایی از درمان روانی معنوی است، توجه می کند.

در ادبیات اسلامی این توجه بسیار آشکارتر است. امام سجاده(ع) در صحیفه سجاده در قالب دعا برای سلامت چنین می فرماید: «خداوندا بر محمد و آتش درود فرست و مرا عافیت بخش، کافی و شفا بخش و برتر و روز افزون بر عافیتی که بر بدنم سلامت تولید کند و در یک کلمه عافیت دنیا و آخرت و بر من منت نه به تندرستی و امنیت و سلامت در دین و بدن و بصیرت در دل» در این کلام است که ابعاد سلامت به خوبی در پرستش نمایانده می شود همچنین، در فراز 11 و 59 از دعای معروف جوشن کبیر که از امام سجاده(ع) به نقل از اجداد بزرگوارش و نهایتاً به نقل از حضرت جبرئیل که به پیشگاه رسول الله(ص) ارائه شده است، توجه به معنا در تأمین سلامت بسیار روشن نشان داده شده است. در این دعا می خوانیم «ای ذخیره من در روز سختی، امید من هنگام مصیبت، ای مونس من در وقت ترس و ...» یعنی برای آنکه بیمار است، نیازمند و مستأصل است.

در ادبیات اسلامی، منبعی لایزال معرفی می شود که می تواند به تمام نیازهای معنوی، روانی و بالتبع جسمی و اجتماعی پایان دهد. لزوم کلیت و جهانشمولی یک تعریف خوب در به کارگیری واژه های مختلف در تعریف سلامت معنوی مد نظر ماست. به نحوی که این تعریف بتواند در تعریفی جهانی و مورد قبول جامعه بشری برای سلامت معنوی به نوعی مورد توجه و استفاده قرار گیرد. ارائه تعریفی جامع و کامل از سلامت معنوی و شاخص های آن در جامعه اسلامی ما و تبیین ارتباط آن با سایر ارکان، نهادها و عناصر درونی جامعه بر اساس فرهنگ، باورها و ارزش های حاکم بر جامعه ایرانی- اسلامی نیاز به انجام تحقیقات بیشتری را می طلبد.

پیوند عمیق فرهنگ اسلامی ایرانی سرزمین ما با مفهوم معنویت گونه ای است که در گذار تاریخ سلامت و معنویت چنان در هم تنیده بوده اند که یکی از مهمترین بایسته های علم طبابت رسیدن به درجات عالی در حوزه علوم انسانی وقت از جمله علم فلسفه و کلام بوده است که طبیب را از دایره محدود درمان بیماری های تن به حکیم شدن سوق می داده است. شاید مهمترین تمایز حکمت با طبابت همین توجه به ابعاد فراجسمانی انسان باشد چیزی که مهمترین بعد وجودی حکیم و نیز بیمار اوست.